

**An Examination of the Opinions of Jurists, Commentators,
and Narratives of Ahl al-Bayt about the Verse
"Bismillah al-Rahman al-Rahim"**

Mohammad Ghorbani Moghadam¹

Received: 27/07/2021

Accepted: 27/10/2023



Abstract

The debate over the holy verse "Bismillah al-Rahman al-Rahim (In the Name of Allah, the Most Compassionate, the Most Merciful)" has always been considered among jurists and commentators, because apart from reciting the Holy Qur'an, the correctness of prayer depends on it. The different viewpoints about it is also strange to the extent that some do not consider it as part of the Qur'an and some consider it as part of all surahs. In this regard, there have been many narratives; Of course, some of them express the greatness of the verse and the virtues of Bismillah. According to the narratives and views of jurists and commentators, there is no doubt that this verse is part of Surah Hamd. Many Sunnis also believe this. However, there are different views between Shias and Sunnis regarding the fact that it is part of all surahs (except Surah Tawbah). Based on the viewpoints of most Shiite scholars, Bismillah is part of all surahs. Among the Shiite scholars, Ibn Junaid also believes that Bismillah is only part of Surah Hamd. Recently, some Shiite jurists have issued a fatwa similar to Ibn Junaid and do not consider it as part of all surahs. Considering the obvious impact of this issue in the rulings of prayer and some other acts of

1. Director of Fiqh and Usul Department, Al-Mustafa University. Qom. Iran. m.ghorbanim@chmail.ir.

* Ghorbani Moghadam, M. (1401 AP). An Examination of the Opinions of Jurists, Commentators, and Narratives of Ahl al-Bayt about the Verse "Bismillah al-Rahman al-Rahim". *Journal of Studies of Qur'anic Sciences*, 4(14), pp. 93-118. DOI: 10.22081/jqss.2023.61506.1125

worship, which are partly in the form of doubt and cannot be cautioned, in this article, this claim was re-examined through a descriptive, analytical and library method and it turned out that contrary to the claim of frequency of narratives and the claim of consensus by some jurists, there is no decisive reason for this holy verse to be part of all the surahs.

Keywords

Bismillah, Part, The Qur'an, Shia narratives, jurists, commentators.



دراسة آراء الفقهاء والمفسرين فيما ورد عن أهل البيت عليهم السلام حول آية «بسم الله الرحمن الرحيم»

محمد قرباني مقدم

تاريخ القبول: ٢٠٢٣/١٠/٢٧

تاريخ الإستلام: ٢٠٢١/٠٧/٢٧



الملخص

لطالما كانت المناقشات حول الآية الكريمة "بسم الله الرحمن الرحيم" محل نقاش بين الفقهاء والمفسرين، لأنه بالإضافة إلى قراءتها في القرآن الكريم فإن صحة الصلاة تعتمد عليها. كما أن مقدار الخلاف حولها غريب إلى حد أن البعض لا يعتبرها جزءاً من القرآن، والبعض يعتبرها جزءاً من السور كلها. وقد ورد في هذا السياق أحاديث كثيرة؛ وإن كان بعضها يعبر عن عظمة الآية وفضائل البسملة. وبناء على الأحاديث وآراء الفقهاء والمفسرين فلا شك أن هذه الآية من سورة الحمد. ويعتقد الكثير من أهل السنة بذلك أيضاً؛ ولكن هناك اختلاف بين الشيعة والسنة في جزئية آية البسملة بالنسبة لجميع السور (ما عدا سورة التوبة). ومن المعروف عند علماء الشيعة أن البسملة جزء من السور كلها؛ باستثناء ابن جنيد، الذي يرى أيضاً أن البسملة ما هي إلا جزء من سورة حمد. ومؤخراً أصدر بعض فقهاء الشيعة فتوى مشابهة لابن جنيد ولا يعتبرونها جزءاً من جميع السور. وبالنظر إلى التأثير الواضح لهذه المسألة في أحكام الصلاة وبعض العبادات الأخرى، والتي الأمر فيها دار مدار المخدورين ولا يمكن الاحتياط فيها، وفي هذا المقال أعيد النظر في هذا الادعاء بالمنهج الوصفي والتحليلي والمكتبي، وتبين أنه خلافاً لدعوى التواتر والإجماع عند بعض الفقهاء، لا يوجد دليل قاطع لجزئية هذه الآية كريمة في جميع السور.

المفردات المفتاحية

البسملة، جزئية البسملة، القرآن، أحاديث الشيعة، الفقهاء، المفسرون.

mailto:m.ghorbanim@chmail.ir

١. مدير قسم الفقه والأصول بجامعة المصطفى. قم. إيران.

*قرباني مقدم، محمد. (٢٠٢٣). دراسة آراء الفقهاء والمفسرين فيما ورد عن أهل البيت عليهم السلام حول آية «بسم الله الرحمن الرحيم». فصلية علمية-ترويجية مطالعات علوم قرآن (دراسات علوم القرآن)، ٤(١٤)، صص ٩٣-١١٨.

DOI: 10.22081/jqss.2023.61506.1125

بررسی نظر فقیهان، مفسران و روایات اهل بیت علیهم السلام در باره آیه «بسم الله الرحمن الرحيم»

محمد قربانی مقدم^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۵

چکیده

بحث درباره آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحيم» همواره میان فقیهان و مفسران مطرح بوده است، زیرا غیر از قرائت قرآن کریم، صحت نماز به آن وابسته است. اختلاف درباره آن نیز عجیب است تا جایی که برخی آن را براساس جزء قرآن نمی دانند و برخی جزء تمام سوره ها می دانند. در همین زمینه، روایات بسیاری وارد شده است؛ البته برخی از آنها عظمت آیه و فضائل بسمله را بیان می کند. با توجه به روایات و دیدگاه فقیهان و مفسران بی شک که این آیه جزء سوره‌ی حمد است. بسیاری از اهل سنت نیز بر این باورند؛ اما در مورد جزئیت آن نسبت به تمامی سوره‌ها (غیر از سوره توبه) میان شیعه و اهل سنت اختلاف است. معروف و مشهور میان علمای شیعه این است که بسم الله جزء تمام سوره‌هاست. در میان علمای شیعه ابن جنید نیز معتقد است بسم الله تنها جزء سوره حمد است. اخیراً برخی فقهای شیعه نیز شبیه ابن جنید فتوا داده‌اند و آن را جزء تمام سوره‌ها نمی دانند. با توجه به تاثیر آشکار این مسئله در احکام نماز و برخی عبادات دیگر که تا حدی به صورت دوران میان محذورین بوده و قابل احتیاط نیست، در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و کتابخانه‌ای این مدعا مجدد بررسی شد و معلوم گردید که برخلاف ادعای تواتر روایی و ادعای اجماع از سوی برخی فقها، دلیل قاطعی برای جزئیت این آیه کریمه درباره تمام سوره‌ها وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها

بسمله، جزئیت، قرآن، روایات شیعه، فقیهان، مفسران.

m.ghorbanim@chmail.ir

۱. مدیر گروه فقه و اصول جامعه المصطفی. قم. ایران.

* قربانی مقدم، محمد. (۱۴۰۱). بررسی نظر فقیهان، مفسران و روایات اهل بیت علیهم السلام درباره آیه «بسم الله الرحمن الرحيم». فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۴(۱۴)، صص ۹۳-۱۱۸.

DOI: 10.22081/jqss.2023.61506.1125

ذکر شریف «بسم الله الرحمن الرحيم» بر اساس روایات متعدد نزدیک‌ترین ذکر به اسم اعظم الهی است (حرعاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۵۷). از قرآن کریم استفاده می‌شود که این ذکر حتی در قبل از نزول قرآن کریم در میان امت‌های گذشته رایج بوده است. بنابراین نقل قرآن، حضرت نوح علیه السلام هنگام سوارشدن بر کشتی چنین گفت: «ارکبوا فیها بسم الله مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا» (هود، ۴۱) نیز بنا بر نقل قرآن، حضرت سلیمان علیه السلام در ابتدای نامه‌اش به پادشاه سبأ چنین نوشت: «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (نمل، ۳۰). در روایات اسلامی نیز آمده است: هر کار مهمی که با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز نشود، به فرجام نخواهد رسید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۳۰۵). این ذکر اثر مهمی در طهارت رفتاری انسان در حوزه‌های گوناگون دارد؛ به همین دلیل سفارش اکید شده، هنگام خروج از منزل، در آغاز خوردن و آشامیدن (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲، ص ۲۵۸)، هنگام زناشویی (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۰۴)، هنگام وضو گرفتن، هنگام افطار (حرعاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۱۷۰؛ ج ۱۰، ص ۱۴۹)، در آغاز دعا کردن (ورام، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۲) و... بسم الله بگوییم تا از شراکت شیطان در امان باشیم.

باین حال، آیا درج بسمله در اول سوره‌ها قرآن به‌عنوان جزء این سوره‌هاست یا به دلیل استحباب افتتاح امور با بسم الله نوشته شده است؟ از نظر شیعه هیچ تردیدی نیست که اولین آیه سوره حمد «بسم الله الرحمن الرحيم» است که جزء آن سوره می‌باشد. بسیاری از اهل سنت نیز چنین عقیده دارند (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۴۸)؛ اما در خصوص باقی سوره‌ها نظر بیشتر اهل سنت عدم جزئیت است؛ در حالی که نظر بیشتر و معروف میان شیعه این است که عبارت «بسمله» جزء این سوره‌هاست، اما دلایل محکمی بر این نظر اقامه نشده است. در این مقاله با بررسی دیدگاه موافقان و مخالفان جزء بودن «بسمله» درباره همه سوره‌های قرآن، دیدگاه غیرمشهور، یعنی عدم جزئیت بسم الله درباره تمام سوره‌ها، که بزرگانی مانند ابن جنید در میان قدما و آیت الله خامنه‌ای و آیت الله سیستانی از متاخرین بدان گرویده‌اند، با دلایلی ترجیح داده می‌شود.

ناگفته نماند که جزئیت یا عدم جزئیت «بسم الله الرحمن الرحيم» درباره تمام

سوره‌ها، غیر از آنکه یک گفتگوی معرفتی و قرآنی است، آثار فقهی متعددی دارد که در ادامه بیان خواهد شد؛ از این رو یک تحقیق جامع در این خصوص از اهمیت زیادی برخوردار است و با نحوه رفتار مومنان رابطه مستقیم دارد.

۱. پیشینه تحقیق

بحث درباره آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحيم» همواره میان دانشمندان اسلامی مطرح بوده است. مفسران به مناسبت اولین آیه سوره حمد و فقیهان به مناسبت احکام قرائت نماز درباره آن، نوشته‌هایی دارند. با این حال معمولاً مطالب تکرار نظر مذاهب نویسندگان است و کمتر تحقیق جامعی در این خصوص صورت گرفته است. به‌طور نمونه صاحب جواهر ضمن چند سطر به جزئیت مسلم بسم الله در سوره فاتحة الكتاب و ادعای اخبار و اجماعات مستفیضه و بلکه متواتر درباره جزئیت آن در تمام سوره‌ها بسنده می‌کند، بدون اینکه مصداق خاصی از روایات یا اجماعات مورد نظر اشاره کند (نجفی، بی تا، ج ۹، ص ۲۹۷).

همچنین علامه طباطبایی رحمته الله علیه ادعا می‌کند که روایات بسیاری از اهل بیت علیهم السلام وارد شده است که دلالت بر جزئیت بسم الله در تمام سوره‌ها می‌کند، اما به هیچ روایتی در این زمینه اشاره نمی‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۷).

محقق خوبی در مقدمه کتاب البیان فی تفسیر القرآن حدود ده صفحه در این زمینه سخن می‌گوید که جامع‌ترین تحقیق در این موضوع است. با این حال متأسفانه در بیان ادله جزئیت، میان ادله جزئیت بسم الله در سوره حمد و دیگر سورها و حتیگاهی روایات فضیلت بسم الله تفکیک نشده و همین موجب اشتباه در نتیجه‌گیری از بحث شده است؛ همچنین در بیان ادله عدم جزئیت، به روایات اهل بیت علیهم السلام که در این تحقیق خواهد آمد، اشاره نشده است (خوبی، ۱۴۰۸، ص ۴۴۰).

آیت الله سبحانی در کتابی که در موضوع فقه مقارن و مسائل اختلافی میان فقه شیعه و اهل سنت نگاشته، تحقیق مستقل و به نسبت بلندی در این باره انجام داده که بیشتر مطالب آن در خصوص اثبات جزئیت بسم الله در خصوص سوره حمد است و حکم

جهر به آن در نماز است، ولی درباره جزئیت آن نسبت همه سوره‌ها تنها چند صفحه محدود بحث شده و به طور عمده به سیره عملی در کتابت این جمله شریفه در آغاز سوره‌ها و همچنین چند روایت از منابع اهل سنت بسنده می‌شود و اشاره چندانی به روایت اهل بیت علیهم‌السلام در این زمینه نمی‌کند (سبحانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۳۱).

همچنین در دائرة المعارف قرآن مدخل بسمله، مقاله‌ای در این باره نگاشته شده که به نظر می‌رسد، خلاصه‌ای از مبحث جزئیت بسم الله کتاب البیان است و جز موارد خاصی، نکته‌ای افزون بر آن ندارد (طیب حسینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۵۶۱).

۲. آثار و نتایج فقهی جزئیت بسم‌الله در سوره‌های قرآن

بررسی جزئیت و عدم جزئیت بسمله در سوره‌ها یک گفتگوی علمی صرف نیست، بلکه در مقام عمل آثار فقهی متعددی دارد که به برخی از آن اشاره می‌شود؛

الف) لزوم خواندن بسم‌الله الرحمن الرحیم در ابتدای هر سوره در صورت جزئیت بسمله و عدم لزوم خواندن آن، در صورت عدم جزئیت بسمله؛ این اثر، بارزترین نتیجه این بحث است. این مطلب در خصوص خواندن بسمله در نماز مهم‌تر است.

ب) بر اساس روایات اگر کسی در نماز شروع به قرائت سوره‌های توحید و کافرون نمود، نمی‌تواند این سوره‌ها را رها کند و سوره دیگری را برای قرائت انتخاب کند (حرعاملی، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۹۹؛ خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۶). حال اگر بسم‌الله جزء این سوره‌ها باشد، این حکم با شروع بسم‌الله ثابت می‌گردد و گرنه باید داخل در قرائت خود سوره شد تا حکم عدم جواز رها کردن سوره ثابت گردد. در این صورت اگر شک کند به نیت سوره کافرون بسم‌الله را گفته یا به نیت سوره توحید، احتیاط غیرممکن به نظر می‌رسد. مگر اینکه قائل به عدم جزئیت بسم‌الله در سوره‌ها شویم که در این صورت فرصت انتخاب سوره همچنان باقی است.

ج) یکی از روش‌های خواندن نماز آیات تقسیم یک سوره به ۵ قسمت است (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۳). اگر «بسم‌الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» جزء سوره باشد، می‌توان آن را به‌عنوان یکی از آیات قرائت‌شده در یک تکبیر قلمداد کرد و گرنه نمی‌توان بدان اکتفا کرد.

د) قرائت بیش از ۷ آیه از قرآن کریم برای فرد جنب و حائض کراهت دارد (امام خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۱۴). حال اگر کسی؛ برای مثال سوره ماعون را که با احتساب «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» هشت آیه دارد، بخواند مرتکب عمل مکروه شده است. (ه) بر اساس نظر برخی از کسانی که قائل به جزئیت «بِسْمِ اللَّهِ» در تمامی سوره‌ها هستند، بسمله هر سوره مختص همان سوره است، بنابراین اگر کسی قصد خواندن سوره‌ای داشت چنانچه پس از قرائت بسم‌الله نیت خود را تغییر داد و تصمیم به قرائت سوره دیگری گرفت، لازم است «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را به نیت سوره جدیدی که می‌خواهد بخواند تکرار کند (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۴۳؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۱۱۹؛ امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۱).

۳. دیدگاه فقیهان و مفسران

پیش از بیان ادله جزئیت یا عدم جزئیت نگاهی به دیدگاه برخی فقیهان و مفسران جایگاه این بحث را واضح‌تر می‌کند.

بنابر نقل صاحب جواهر جناب ابن‌جُبَیْد اسکافی از فقیهان و متکلمان امامیه سده چهارم قمری، معتقد است که بسم‌الله در غیر سوره فاتحة الكتاب تنها افتتاح سوره است و جزء یا آیه‌ای از آن به شمار نمی‌رود (نجفی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۹۷).

شیخ طوسی در کتاب مبسوط بدون اینکه نظر خویش را بیان کند، جزئیت بسم‌الله درباره همه سوره‌ها را به روایات نسبت می‌دهد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۱۰۵).

امین الاسلام طبرسی در ابتدای تفسیر سوره حمد می‌نویسد: به اتفاق همه اصحاب ما، بسم‌الله الرحمن الرحیم جزء سوره حمد و همه سوره‌های قرآن است، ولی نزد فقیهان اهل سنت این مسئله اختلافی است (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۱، ص ۸۹).

محقق حلی در کتاب المعبر می‌نویسد: بسم‌الله آیه‌ای از سوره حمد و همه سوره‌ها می‌باشد و در سوره نمل افزون بر دیگر سوره‌ها جزئی از یک آیه هم می‌باشد. اینکه بسم‌الله در سوره حمد یک آیه است، دیدگاه عالمان ما و بیشتر اهل علم است (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۷). از عبارت محقق حلی روشن می‌شود که ایشان جزئیت بسم‌الله

درباره غیر سوره حمد را اجماعی نمی‌داند، زیرا اجماع را تنها به جزئیت بسم‌الله درباره سوره حمد مدعی می‌شود. ایشان در کتاب شرایع الاسلام تنها بیان می‌کند که بسم‌الله جزء سوره حمد است و درباره دیگر سوره‌ها در این مورد سکوت می‌کند (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۷۲).

علامه حلی در این باره می‌نویسد: «بسم‌الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آیه‌ای از سوره حمد و دیگر سوره‌ها غیر از سوره براءت است و در سوره نمل افزون بر دیگر سوره‌ها جزئی از یک آیه هم می‌باشد. به اجماع فقیهان شیعه خواندن بسم‌الله در اول سوره حمد واجب است (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۴۸؛ حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۴۳). ایشان روایت‌های مخالف را حمل بر نافله کرده است، اما هیچ‌گونه شاهد یا دلیلی بر این حمل ذکر نکرده است (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۵۳).

شهید اول ادعا می‌کند که «بسم‌الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» اجماعاً جزء تمام سوره‌ها است (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۹۸)، اما در مسئله لزوم قرائت یک سوره کامل در هر رکعت به عدم جزئیت تمایل نشان می‌دهد. ایشان ضمن بیان روایات موافق و مخالف در این زمینه، روایتی نقل می‌کند که خواندن سه آیه در هر رکعت را مجزی می‌داند؛ سپس نتیجه می‌گیرد که بسم‌الله جزء سوره‌ها نیست. چون هیچ سوره‌ای با بسم‌الله کمتر از ۴ آیه نیست (شهید ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۰۲).

محمدحسن نجفی معروف به صاحب جواهر به‌رغم اینکه اذعان می‌کند روایات در خصوص جزئیت بسم‌الله درباره تمام سوره چندان زیاد و واضح الدلاله نیست، می‌نویسد: مشهور میان امامیه، بلکه بدون اختلاف میان امامیه، بسمله یک آیه از سوره حمد است. در مورد جزئیت بسمله نسبت به دیگر سوره‌ها نیز اجماعات و نصوص داریم (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۲۹۷).

شیخ انصاری معتقد است: «بسم‌الله» جزء سوره‌ها است مگر سوره «براءت» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۵).

سیداحمد خوانساری ضمن بیان برخی روایات و اجماعات، معتقدند که «بسم‌الله...» افزون بر سوره حمد جزء همه سوره‌ها است. ایشان روایات مخالف را افزون بر اینکه

حمل بر تقيه می کند، به قاعده اعراض تمسک کرده، حجیت روایات مخالف را زیر سؤال می برد (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۳۶).

علامه طباطبایی ادعا می کنند که روایات بسیاری از اهل بیت علیهم السلام وارد شده است که دلالت بر جزئیت بسم الله در تمام سوره ها می کند، اما به هیچ روایتی در این زمینه اشاره نمی کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۷).

امام خمینی می گوید: بسمله جزء همه سوره ها غیر از سوره براءت است و قرائت آن در نماز واجب است (خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۵).

سیدعلی حسینی خامنه ای (مقام معظم رهبری) در استفتائی می گوید: «بسم الله الرحمن الرحیم» در سوره حمد جزء سوره است، ولی در سوره های دیگر قرآن جزء سوره نیست، پس اگر «بسم الله الرحمن الرحیم» را به قصد سوره ای خواند و تغییر قصد داد و سوره دیگر خواند، تکرار «بسم الله الرحمن الرحیم» لازم نیست (خامنه ای، ۱۳۹۷/۱۰/۲۵).

با توجه به اینکه آیت الله سیدعلی حسینی سیستانی در نماز آیات، اکتفا به بسم الله به عنوان یک آیه را خلاف احتیاط می داند، معلوم می شود ایشان در جزئیت بسمله در تمام سوره های قرآن کریم تردید دارد (حسینی سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۴۲).

آیت الله جعفر سبحانی با استناد به سیره عملی در کتابت بسم الله در آغاز سوره ها و همچنین چند روایت از منابع اهل سنت، قائل به جزئیت بسم الله در تمام سوره ها می شود (سبحانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۳۱).

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴. ادله جزئیت بسم الله درباره تمام سوره ها

۴-۱. روایات

مهم ترین دلیلی که برای جزئیت «بسم الله الرحمن الرحیم» بدان استناد شده، روایات ذکر شده در کتاب های شیعه است. حتی برخی ادعای تواتر روایات در این مورد کرده اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۲۹۷)؛ اما با بررسی روایات روشن می شود روایت متواتری در این رابطه وجود ندارد، بلکه روایت معتبر و با دلالت روشنی که بر این معنا قابل استناد باشد وجود ندارد، زیرا روایات در مورد «بسم الله الرحمن الرحیم» دو دسته اند؛

دسته اول که بیشتر روایات را در برمی گیرد، یا در بیان عظمت و فضیلت این آیه است (حرعاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۵۷) و یا در مقام رد کسانی است که کلاً منکر جزئیت بسم الله نسبت که قرآن مجید می باشد، مانند این روایت: سَرَفُوا أَكْرَمَ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. (حرعاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۵۷) و یا در مقام رد کسانی است که کلاً منکر جزئیت بسم الله نسبت که قرآن مجید می باشد، مانند این روایت: سَرَفُوا أَكْرَمَ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۶۵)، زیرا کسانی معتقد بودند بسمله اصلاً از قرآن کریم محسوب نمی شود، مانند مالک از پیشوایان فقهی اهل سنت (مازندرانی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۳۵).

دسته دوم روایاتی که ادعا شده است بر جزئیت بسم الله درباره سوره حمد و تمام سوره ها دلالت دارد. شیخ حرعاملی این روایات را در باب ۱۱ از ابواب القرائه و وسائل الشیعه نقل کرده است (حرعاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۵۷) در این باب ۱۲ حدیث وجود دارد: دو حدیث درباره نزدیک بودن «بسم الله الرحمن الرحيم» به اسم اعظم است (حدیث ۳ و ۱۱)، حدیث ۷ نیز مضمونی قریب به این دو حدیث دارد که می گوید: بهترین اسم را کتمان کرده اند. دو حدیث درباره جهر خواندن بسم الله در نماز است (حدیث ۱ و ۴). سه حدیث درباره اینکه «بسم الله الرحمن الرحيم» جزئی از فاتحه الكتاب است (حدیث ۲، ۹ و ۱۰) و دو حدیث درباره اینکه اول هر کتابی که نازل شده است بسم الله بوده است (حدیث ۸ و ۱۲). در ضمن حدیث شماره ۴ ظهور در این دارد که امام علیه السلام در نماز خود تنها برای حمد «بسم الله الرحمن الرحيم» گفته اند یا دست کم فقط «بسم الله الرحمن الرحيم» حمد را با جهر خوانده اند، چون راوی می گوید امام در نماز خود، دو مرتبه «بسم الله الرحمن الرحيم» را با جهر خواندند.

تنها احادیث ۵ و ۶ قابل استدلال است بر اینکه بسم الله جزو همه ی سوره هاست. لازم است این دو حدیث مورد بررسی قرار گیرد.

حدیث شماره ۵ از این قرار است: عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ: لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا قُفْتُ لِلصَّلَاةِ أَقْرَأُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي فَاتِحَةِ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: فَإِذَا قَرَأْتُ فَاتِحَةَ الْقُرْآنِ، أَقْرَأُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَعَ السُّورَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ.

در این حدیث راوی از امام علیه السلام سؤال می‌کند: هنگام نماز غیر از سوره حمد، برای سوره نیز بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بخوانم؟ حضرت می‌فرماید: بله!

ملاحظه می‌شود که هر چند امام اجازه می‌دهند برای هر سوره‌ای «بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قرائت شود، اما هیچ دلالتی بر لزوم آن یا جزئیت ندارد، بلکه چه بسا به دلیل استحباب شروع هر کاری با «بسمله» چنین حکمی صادر شده باشد. به تعبیر ابن جنید، یعنی ذکر «بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» برای افتتاح است نه برای جزئیت.

اما حدیث شماره ۶ ظهور بهتری در لزوم قرائت «بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در ابتدای سوره و جزئیت آن دارد. در این روایت که مکاتبه‌ای میان یحیی بن عمران و امام جواد علیه السلام است. در این مکاتبه آمده است، نماز کسی که در سوره‌اش «بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قرائت نشده، باطل است. متن روایت چنین است:

عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عِمْرَانَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ ابْتَدَأَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي صَلَاتِهِ وَحَدَّ فِي أُمَّ الْكِتَابِ فَلَمَّا صَارَ إِلَى غَيْرِ أُمَّ الْكِتَابِ مِنَ الشُّورَةِ تَرَكَهَا؟ فَقَالَ: الْعَبَّاسِيُّ لَيْسَ بِذَلِكَ بَأْسٌ. فَكَتَبَ بِحُطِّهِ يُعِيدُهَا مَرَّتَيْنِ عَلَى رَعْمٍ أَنْفِهِ يَغْنِي الْعَبَّاسِيَّ (حرعاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۵۸).

درباره این روایت چند پرسش مطرح است؛ یکی اینکه عباسی کیست؟ (در برخی نسخه‌ها به جای عباسی، عیاشی ثبت شده است) و نیز اینکه چگونه می‌توان وثاقت یحیی بن ابی عمران (در برخی نسخه‌ها یحیی بن عمران) را اثبات کرد؟ چون ایشان در کتب رجال هیچ گونه توثیقی ندارد. البته از روایتی استفاده می‌شود وی از وکلای امام جواد علیه السلام بوده است (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱، ص ۲۹)، اما همان گونه که آیت الله خویی نیز اذعان کرده، وکالت ملازم با وثاقت نیست (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱، ص ۲۹). اگر کسی تمام راویان اسناد کتاب تفسیر قمی را موثق بدانند، می‌تواند حکم به وثاقت یحیی بن عمران کند، چون ایشان از افرادی است که در اسناد این کتاب واقع شده است (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱، ص ۲۹).

اما صرف نظر از عدم صحت روایت بالا و نیز بر فرض جواز اثبات یک جمله در قرآن کریم به وسیله استناد به خبر واحد، باید اقرار نمود که به این روایت‌ها نمی‌توان

برای اثبات جزئیت «بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» درباره تمام سوره‌ها استناد کرد، زیرا در مقابل، روایات صحیح و واضح تری وجود دارد که بر عدم جزئیت بسم الله درباره تمام سوره‌های قرآن دلالت می‌کند.

۲-۴. اجماع

دومین دلیلی که برای جزئیت بسم الله درباره تمام سوره‌ها ذکر شده، اجماع است. در کتاب‌های خلاف شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۱)، مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۱، ص ۸۹)، ذکری (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۹۸) و ... ادعای اجماع شده است.

این دلیل از چند جهت مخدوش است:

اولاً، حجیت اجماع در این نوع مسائل معلوم نیست، زیرا حجیت اجماعی که در اصول مورد گفتگو است و فی الجمله معتبر شمرده می‌شود، اجماعی است که در مسائل فقهیه فرعیه وجود دارد، درحالی که جزئیت یک عبارت درباره سوره‌های قرآنی بحثی اعتقادی و کلامی است.

ثانیاً، اجماع در این مسئله ممکن است به لحاظ روایاتی باشد که پیش‌تر ذکر شد و معلوم است اجماعی که محتمل‌المدرکی باشد قابل استناد نیست (جزایری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۸۶).

ثالثاً، اصل انعقاد اجماع مورد تردید است، زیرا اولاً مخالف دارد، مانند ابن جنید، ثانیاً برخی از این اجماعات ذکر شده اصلاً ثابت نیست؛ برای مثال عبارت شیخ طوسی در خلاف ناظر به مسائلی همچون اصل جزئیت بسم الله درباره قرآن کریم است، نه تمام سوره‌ها و نیز مسائلی همچون لزوم جهر خواندن آن در نمازهای اخفاتی؛ همچنین وجود اجماعی که در نهایت الاحکام ادعا شده یافت نشد. نشانه موهون بودن اجماع این است که صاحب مدارک نیز از تعبیر اجماع خارج شده و می‌گوید: عامه متأخرین این نظر را دارند (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۳۴۰). مطمئناً اگر اجماعی در کار بود، ایشان که خود قائل به جزئیت بسم الله است، از تعبیر «اجماع» به تعبیر «عامه المتأخرین» عدول نمی‌کرد.

۳-۴. درج بسم‌الله در ابتدای سوره‌های مصاحف

سومین دلیلی که برای جزئیت ذکر شده، درج «بسم‌الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در ابتدای سوره‌های در قرآن است. صاحب مدارک پس از اینکه نمی‌تواند دلالت روایات در عدم وجوب قرائت بسم‌الله در ابتدای سوره پس از حمد نفی کند، علت آن را عدم وجوب قرائت سوره کامل معرفی می‌کند و برای رد دیدگاه ابن جنید که قائل به عدم جزئیت بسم‌الله است، به نوشته شدن بسم‌الله در ابتدای سوره‌های قرآن استناد می‌کند (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۳۴۱)؛ همچنین مهم‌ترین دلیلی که آیت‌الله سبحانی برای جزئیت بسم‌الله در تمام سوره‌های اقامه می‌کند، همین دلیل است (سبحانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱ ص ۲۳۱).

این دلیل نیز مخدوش است، زیرا:

اولاً، جمع‌آوری مصحف به این شکل کار اهل سنت بوده است، در حالی که بیشتر ایشان قائل جزئیت بسم‌الله نبوده‌اند.

ثانیاً، درج بسم‌الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ در آغاز سوره‌ها تنها به دلیل مشخص شدن اتمام و آغاز سوره‌ها می‌باشد. البته این کار به تأسی از روایاتی است که برای شخص پیامبر اعظم ﷺ نیز ذکر بسم‌الله نشانه اتمام و آغاز سوره معرفی شده است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ كِتَابًا إِلَّا وَفَاتِحَتُهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَإِنَّمَا كَانَ يُعْرَفُ انْفِصَاءَ السُّورَةِ بِتُرُؤْلِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ابْتِدَاءً لِلْأُخْرَى» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۶۵). البته فقط این پرسش باقی می‌ماند که اگر بسم‌الله برای مشخص شدن ابتدا و انتهای سوره‌هاست، پس چرا در آغاز سوره توبه (برائت) بسم‌الله درج نشده است؟ جواب این است که ظاهراً سوره توبه اصلاً سوره مستقلی نیست، بلکه ادامه سوره انفال است، بنابراین نیازی به مشخص شدن ابتدای آن به وسیله بسم‌الله نداشته است. این معنا در روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر نورالثقلین آمده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۷۶)؛ بنابراین، بسم‌الله نداشتن سوره توبه می‌تواند خود نشانه‌ای بر این باشد که درج بسم‌الله تنها به دلیل شناسایی ابتدای سوره بوده نه اینکه جزء سوره محسوب شود؛ بنابراین وقتی ابن عباس از خلیفه سوم می‌پرسد که چرا در مصحف، در ابتدای سوره توبه بسم‌الله درج نشده است؟ می‌گوید: «روش رسول خدا ﷺ چنان بود که چون آیات

۱۰۳

مُطَالَعَةُ الْقُرْآنِ

بررسی نظر فقہیان، مفسران و روایات اهل بیت علیهم السلام درباره آیه «بسم‌الله الرحمن الرحيم»

قرآن بر او نازل می‌شد یکی از نویسندگان وحی را می‌خواند و به او می‌فرمود: این آیات را در فلان سوره بگذار ... و سوره انفال از نخستین سوره‌هایی بود که در مدینه نازل شد و سوره براءت از آخرین سوره‌هایی بود که در آن شهر نازل گشت و چون داستان این دو سوره شبیه به یکدیگر بود ما گمان کردیم که سوره براءت دنباله سوره انفال است و خود آن حضرت نیز تا روزی که از دنیا رفت در این باره چیزی نفرمود؛ از این رو ما این سوره را در ضمن «سبع طول» قرار دادیم و میان آن دو «بسم الله» نوشتیم؛ و این دو سوره را «قرینتین» (قرین یکدیگر) می‌خواندند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴).

ملاحظه می‌شود که خلیفه، درج بسم الله را به خود نسبت می‌دهد؛ یعنی وقتی (درست یا غلط) به اجتهاد خویش تشخیص می‌دهد که این دو یک سوره است، نتیجه می‌گیرد که نیازی به درج بسم الله در آغاز سوره توبه نیست. این نشان می‌دهد که بسم الله تنها برای تمییز سوره‌ها از یکدیگر بوده نه اینکه جزء قرآن باشد. چون اگر جزء قرآن بود هیچ اجتهاد یا نظری نمی‌توانست آن را از قرآن کریم حذف کند.

سوم اینکه در آغاز سوره‌های قریش و انشراح نیز بسم الله درج شده است، درحالی که بر اساس اجماع شیعه و احادیث متعدد (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۵۵)، این دو سوره ادامه سوره‌های قبل هستند و به طبع جز در سوره نمل، در اثنای هیچ سوره‌ی دیگری «بسم الله الرحمن الرحیم» نیامده است. طبرسی نیز به این نکته تصریح کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۷۶۹).

مرحوم سیدشفتی پس از آنکه می‌گوید تعدد بسم الله در این سوره‌ها لازم نیست، بلکه مشکل‌ساز است، در توجیه اینکه چرا بسم الله در ابتدای انشراح و قریش نیز درج شده است، می‌نویسد: ظاهراً به سبب تبعیت از اهل سنت است که این سوره‌ها را مستقل از یکدیگر دانسته و به رسم مألوف که ابتدای هر سوره (غیر از سوره توبه) بسم الله درج می‌کنند، ابتدای این سوره‌ها هم بسم الله درج کرده‌اند، با اینکه آنها بسم الله را جزء سوره نمی‌دانند (شفتی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۰۲) بنابراین، سخن مرحوم شفتی که درج بسم الله در آغاز این دو سوره به پیروی اهل سنت بوده است، مدعای ما را ثابت می‌کند که گفتیم، درج بسم الله در بقیه سوره‌ها نیز اجتهاد شخصی خلیفه سوم بوده است.

چهارم اینکه نوشتن بسم الله در ابتدای سوره‌ها می‌تواند از باب تبرک باشد و از باب عمل به احادیثی باشد که سفارش می‌کند آغاز هر کار مهمی را با بسم الله یا استعاذه باشد. احادیثی نیز وجود دارد که گفتن بسم الله را مجزی از استعاذه می‌داند (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۱۳۵) با توجه به اینکه استعاذه واجب نیست، می‌توان برداشت کرد که بسم الله نیز واجب نیست؛ چون اولاً، در روایت، بسم الله را در ردیف استعاذه قرار گرفته است؛ ثانیاً، اگر بسم الله واجب بود، منوط کردن عدم لزوم استعاذه به قرائت بسم الله معنا نداشت، چون وقتی بسم الله همیشه ذکر می‌شود پس همیشه استعاذه لازم نیست؛ بنابراین همان‌طور که استعاذه واجب نیست و جزء سوره نمی‌باشد، بسم الله هم همان حکم را دارد. حتی مشاهده می‌شود امام هادی علیه السلام در پاسخ به نامه متوکل مبنی بر مجازات غیرمسلمانی که به زن مسلمانی تجاوز کرده و بعد مسلمان شده بود، آیه‌ای از قرآن نوشته و در ابتدای آن عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» را نوشتند؛ بسم الله الرحمن الرحيم فَلَکُمْ رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّةُ وَ كَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ فَلَمْ يَكْ يَنْفَعَهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سَنَّتْ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۲۸، ص ۱۴۱). آیا از درج بسم الله در ابتدای این آیه می‌توان نتیجه گرفت که بسمله هم جزئی از این آیه است؟ هر گز!

۵. ادله عدم جزئیت بسم الله

موضوع جزئیت بسم الله برای هر سوره، یک موضوع نقلی است، نه عقلی؛ از این رو باید برای اثبات یا نفی آن، دلیل نقلی اقامه کرد. همان‌گونه که گفته شد، در وسائل الشیعه روایاتی وجود دارد که نه تنها به جزئیت دلالت ندارد، بلکه بر عدم جزئیت دارد. در ادامه آن روایات بررسی می‌شود و پس از آن، برخی قرائن دیگری که می‌تواند شاهد بر عدم جزئیت بسم الله باشد، ذکر می‌شود.

۱-۵. روایات

در باب ۱۱ و ۱۲ از ابواب قرائت وسائل الشیعه جلد ششم روایاتی با سند صحیح

آمده است که بر عدم جزئیت بسم الله درباره سوره‌های قرآن دلالت دارند.

عبیدالله بن علی حلبی و محمد بن علی حلبی از امام صادق علیه السلام در مورد کسی که سوره فاتحه الكتاب را می‌خواهد بخواند، پرسیدند که آیا بسم الله الرحمن الرحيم را باید بگوید؟ امام فرمودند: آری. سپس پرسیدند که آیا با سوره‌ای که پس از سوره حمد می‌خواهد بخواند آیا باید بسم الله الرحمن الرحيم را بگوید؟ امام فرمودند: خیر (وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيِّ الْحَلَبِيِّ وَعَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَنَّهُمَا سَأَلَاهُ عَمَّنْ يَقْرَأُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حِينَ يَرِيدُ يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ؟ قَالَ: نَعَمْ؛ إِنْ شَاءَ سِرّاً وَ إِنْ شَاءَ جَهْراً. فَقَالَا: أَيْ قِيْرُوْهَا مَعَ السُّورَةِ الْاٰخْرَى؟ فَقَالَ: لَا) (حرعاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۶۱).

ملاحظه می‌شود که در این روایت امام صادق علیه السلام با صراحت لزوم قرائت بسم الله الرحمن الرحيم همراه با سوره‌های نماز را نفی می‌کنند. لازم به ذکر است که علامه حلی این روایت را حمل بر نافله کرده است، بدون آنکه برای این حمل، شاهد یا دلیلی اقامه کند (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۵۳).

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هرگاه بسم الله الرحمن الرحيم را در ابتدای نماز (یعنی سوره حمد) خواندی، برای بعد از آن کفایت می‌کند». (مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَفْتَتِحُ الصَّلَاةَ فِي الصَّلَاةِ أَوْ يَقْرَأُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؟ قَالَ: نَعَمْ إِذَا اسْتَفْتَحَ الصَّلَاةَ فَلْيَقُلْهَا فِي أَوَّلِ مَا يَفْتَتِحُ ثُمَّ يَكْفِيهِ مَا بَعْدَ ذَلِكَ) (حرعاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۶۱).

روایت سوم گزارشی از سیره عملی امام صادق علیه السلام در اقامه نماز است. مسمع بصری می‌گوید: زمانی همراه امام صادق علیه السلام نماز گزاردیم و ایشان در هر دو رکعت تنها برای حمد بسم الله الرحمن الرحيم قرائت کرد و سوره را بدون بسم الله خواندند. (عَنْ مِسْمَعِ الْبَصْرِيِّ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَقَرَأَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. ثُمَّ قَرَأَ السُّورَةَ الَّتِي بَعْدَ الْحَمْدِ وَ لَمْ يَقْرَأْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ثُمَّ قَامَ فِي الثَّانِيَةِ فَقَرَأَ الْحَمْدَ وَ لَمْ يَقْرَأْ بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ثُمَّ قَرَأَ بِسُورَةَ أُخْرَى) (حرعاملی، ۱۴۱۹ق،

ج ۶، ص ۶۲). تنها مشکل این روایت آن است که مسمی می گوید در رکعت دوم امام علیه السلام برای سوره حمد نیز بسم الله الرحمن الرحیم قرائت نکرده‌اند که باید آن را توجیه کرد.

۲-۵. بررسی اشکالات روایات دال بر عدم جزئیت

در مورد روایاتی که دلالت بر عدم جزئیت «بسم الله الرحمن الرحیم» درباره سوره‌ها می‌کند، توجیهاتی ذکر شده و تلاش شده با تضعیف این روایات راه برای دو روایتی که دلالت بر جزئیت می‌کند هموار گردد؛ در حالی که این توجیهات کامل نیست. مهم‌ترین موارد آن عبارت‌اند از:

۱. چون قرائت یک سوره کامل در نماز لازم نیست، در روایات اجازه داده شده که عبارت بسمله در ابتدای سوره‌ای که در نماز خوانده می‌شود، قرائت نشود (حرعاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۴۱).

پاسخ: اولاً، بنا بر دیدگاه فقیهان امامیه خواندن سوره کامل در نمازهای واجب لازم است و این مسئله اجماعی است و اگر روایتی مخالف این مطلب وجود داشته باشد، مربوط به نوافل است؛ همان‌گونه که در روایاتی به این موضوع تصریح شده است؛ ثانیاً، پرسشی که در روایت‌های مربوط به قرائت بسم الله پرسیده شده در مورد جزئیت این عبارت است نه لزوم خواندن سوره کامل یا عدم آن.

۲. روایت‌های که بر عدم جزئیت بسمله در سوره‌ها قرآن دلالت دارند، بر تقیه حمل می‌شوند (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۳۶).

پاسخ: به چند دلیل حمل بر تقیه ممکن نیست: اولاً، این مسئله میان خود اهل سنت هم اختلافی بوده و برخی از آنان قائل به جزئیت بوده‌اند؛ ثانیاً، حمل بر تقیه زمانی است که روایات محکمی و قطعی بر مطلبی دلالت کند و در مقابل آن روایتی باشد که با آن روایات مسلم در تعارض باشد؛ اما ملاحظه شد که روایات جزئیت نه از نظر تعداد، نه از نظر سند و نه از نظر دلالت از استحکام چندانی برخوردار نیست تا با روایات دال بر عدم جزئیت تعارض کند و در نتیجه این روایات را حمل بر تقیه نمایم.

۳. روایت‌های عدم لزوم قرائت بسمله در نماز مربوط به نمازهای نافله است که

مسلماً خواندن سوره کامل در آن لازم نیست (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۵۳).

پاسخ: روایت چهارم از باب ۱۱ که گذشت، مربوط به گزارش نماز جماعتی بود که اصحاب به امامت حضرت صادق علیه السلام اقامه کرده بودند و معلوم است که قابل حمل بر نماز نافله نیست.

۴. آیت الله سیداحمد خوانساری گفته است از روایات دال بر عدم جزئیت بسمله اعراض شده است (اعراض مشهور) و با توجه به قاعده اعراض نمی توان به این روایات عمل کرد (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۳۶). چون هرگاه اصحاب از روایتی اعراض کنند، آن روایت از حجیت ساقط می شود، هر چند از سند صحیحی برخوردار باشد (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۳۲۱). با توجه به اینکه مشهور از اصحاب به روایات دال بر عدم جزئیت بسمله اعتنایی نکرده اند، از حجیت ساقط می شوند و قابل استناد نیستند.

پاسخ: این بهترین توجیه برای عدم توجه به روایات دال بر عدم جزئیت بسمله درباره سوره ها می تواند باشد؛ اما همان طور که آیت الله خویی نیز قائل است (خویی، بی تا، ج ۱، ص ۷)، اعراض اصحاب نمی تواند موجب ضعف حدیثی باشد که حجیت آن ثابت شده است. صرف نظر از دلیلی که ایشان اقامه کرده است (مناط بودن وثاقت راوی در پذیرش اخبار) (خویی، بی تا، ج ۱، ص ۷)، خود روایات دلالت می کند بر اینکه چه بسا حدیثی مورد فهم علمای سلف قرار نگیرد و به طبع بدان فتوا ندهد، اما آن عالم وظیفه دارد که روایت را برای نسل های آینده نقل کند تا مورد استفاده آنها قرار گیرد؛ امام صادق علیه السلام می فرمایند: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ حَظَبَ النَّاسِ فِي مَسْجِدِ الْحَيْفِ فَقَالَ نَضَّرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاهَا وَحَفَظَهَا وَبَلَّغَهَا مَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا فَرُبَّ حَامِلٍ فِئْهٍ عَيْزٌ فِئْهٍ وَرُبَّ حَامِلٍ فِئْهٍ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ؛ خدا خرم گرداند کسی را که گفتار من را بشنود و آن را حفظ و به دیگران ابلاغ کند، زیرا چه بسا کسی مطلب عمیقی (فقه) را حمل کند، درحالی که آن را فهم نکنند، اما برساند به دست کسی که از او عالم تر باشد» (حرعاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۲۷، ص ۸۹).

این حدیث به خوبی می رساند که نفهمیدن معنای یک روایت دلیلی بر عدم صحت آن روایت نیست؛ بنابراین روش عالمان پیشین چنین بوده که همه روایات را نقل می کردند، حتی روایت هایی را که بر اساس آنها فتوا نمی دادند. بنابراین، اعراض آنها

برای آیندگان هیچ گونه الزامی ایجاد نمی کند. بله! اگر از اعراضی طعن به راویان آن استفاده شود، روایت از نظر سند مشکل پیدا خواهد کرد.

در جمع بندی این روایات باید گفت: روایت صحیح و صریحی که بر جزئیت بسم الله در تمام سوره های قرآن دلالت کند، وجود ندارد، بنابراین همان گونه که گذشت آیت الله سبحانی برای اثبات جزئیت بسم الله در تمام سوره ها به هیچ روایت شیعی استناد نمی کند. در مقابل، روایاتی وجود دارد که به خوبی بر عدم جزئیت دلالت می کند.

البته اگر دلالت روایات دسته اول را بر جزئیت تمام بدانیم و اشکالات یاد شده را نادیده بیانگاریم، با توجه به اینکه هیچ رابطه ای مانند عموم و خصوص یا اطلاق و تقیید و ... میان این دو دسته روایات وجود ندارد، هیچ راه جمعی میان این دو دسته وجود ندارد، جز اینکه روایات جزئیت را حمل بر استحباب قرائت آن هنگام خواندن سوره ها و به تعبیر دیگر صرف تبرک و افتتاح نمود. خلاصه اینکه روایاتی که دلالت می کند که بسم الله در سوره نماز قرائت شود را حمل بر استحباب نمود. دلیل این جمع این است که روایتی که بر عدم لزوم قرائت بسم الله در نماز دلالت می کند، صراحت در این معنا دارد، زیرا وقتی تکلیفی نفی می شود، هیچ احتمال دیگری جز همان نفی وجود ندارد. اما روایتی که دلالت بر لزوم قرائت می کند، تنها ظهور در لزوم دارد، چون احتمال هایی همچون استحباب، تبرک، افتتاح و ... در آن وجود دارد. بنابراین، نتیجه حمل ظاهر بر نص این می شود که باید در روایت ظاهر تصرف نمود و دست از ظهور آن برداشت و حمل بر استحباب نمود. این حمل درباره روایت شماره ۶ مشکل است، اما درباره روایت ۵ کاملاً امکان پذیر است. اگر کسی این حمل را نپذیرد، باید قائل به تساقط دو دسته روایت شود و در نتیجه به اصل مراجعه کند. اصل متناسب با این موضوع عبارت است از اصالة العدم (عدم جزئیت بسم الله در سوره) و یا اصل عدم تکرار (زیرا تکرار یک عبارت نیازمند دلیل قاطع است).

۳-۵. قرائن و شواهد دال بر عدم جزئیت

در قسمت قبل ادله روایی عدم جزئیت بررسی شد، در عین برخی شواهد و قرائنی

وجود دارد که شاید به تنهایی اثبات کننده چیزی نباشد، اما می تواند به عنوان مؤید روایات قبل محسوب شود.

۱. روایت ابن عباس

روایتی از ابن عباس نقل شده است که وی از خلیفه سوم درباره وجود بسم الله در ابتدای سوره توبه پرسش می کند که خلیفه سوم در جواب می گوید: «روش رسول خدا ﷺ چنین بود که چون آیات قرآن بر او نازل می شد به یکی از نویسندگان وحی می فرمود: این آیات را در فلان سوره بگذار. سوره انفال از نخستین سوره هایی بود که در مدینه نازل شد و سوره براءت از آخرین سوره هایی بود که در آن شهر نازل گشت و چون داستان این دو سوره شبیه به یکدیگر بود ما گمان کردیم که سوره براءت دنباله سوره انفال است و خود آن حضرت نیز تا روزی که از دنیا رفت درباره آن چیزی نفرمود؛ از این رو ما این سوره را در ضمن «سبع طول» قرار دادیم و میان آن دو «بسم الله» نوشتیم (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴)، از این روایت استفاده می شود، که قراردادن بسم الله در ابتدای سوره ها اجتهاد شخصی او بوده است و چون با مبانی اسلامی منافات نداشت، بلکه با تاکیدات پیامبر ﷺ، مبنی بر لزوم آغاز هر امری با بسم الله، همخوانی داشت، مورد اعتراض ائمه اطهار و دیگر صحابه واقع نشد.

۲. روایت فرات بن احنف

فرات بن احنف می گوید از امام باقر علیه السلام شنیدیم که فرمود: «وَ إِذَا قَرَأْتَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَلَا تُبَالِي أَنْ لَا تُسْتَعِيدَ؟ اگر بسم الله گفتی، اشکال ندارد که اعوذ بالله... نگویی» (حرعاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۱۳۵). سخن امام یک جمله شرطیه است، و جمله شرطیه مفهوم دارد و مفهوم آن چنین است: اگر بسم الله نگفتی اعوذ بالله... بگو. از مفهوم سخن امام باقر علیه السلام استفاده می شود که شروع سوره های قرآن با بسملة استحباب دارد و نیز بر دو نکته دلالت دارد:

الف) جواز ترک بسم الله و ابتدا به استعاذه؛

ب) هم حکم بودن بسم الله با استعاذه؛ یعنی همان گونه که به طور قطع شروع تلاوت هر سوره قرآن با استعاذه وجوب ندارد و مستحب است، عدل آن یعنی بسم الله نیز همین حکم را دارد.

۳. روایت عمر بن اذینه

عمر بن اذینه چگونگی نماز پیامبر اکرم ﷺ در معراج را از زبان امام صادق ﷺ نقل می کند. در این روایت طولانی آمده است: هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ تکبیره الاحرام را گفت، خداوند عز و جل فرمود: «اکنون به من رسیدی، پس اسم مرا یاد کن»: حضرت فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم» و به همین جهت در اول سوره حمد گفتن بسم الله الرحمن الرحيم مشروع گردید، سپس خداوند به آن حضرت فرمود: «مرا ستایش کن ...» هنگامی که به «ولا الضالین» رسید، پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ شکر. اینجا بود که خداوند فرمودند: «ذکر مرا قطع کردی پس اسم مرا را یاد کن». پیامبر ﷺ فرمودند: «بسم الله الرحمن الرحيم» و به همین جهت پس از پایان قرائت سوره حمد و ابتدای سوره بعدی گفتن بسم الله الرحمن الرحيم مشروع گردید، پس از آن حق تعالی به حضرت فرمودند: بخوان: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ تا آخر به همان نحوی که نازل گردیده است (حرعاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۴۶۶).

از این روایت از دو جهت می توان بر عدم جزئیت بسم الله استدلال کرد:

الف) امام صادق ﷺ فرمودند: «... به همین جهت بسم الله در استقبال از سوره جدید گفته می شود نه در ابتدای سوره. لازم به ذکر است که درباره سوره حمد حضرت فرمودند به این دلیل بسم الله در آغاز سوره حمد قرار داده شد».

ب) پس از اینکه پیامبر اعظم ﷺ، در حین نماز معراجی خود، و به دستور خدای سبحان، دوباره بسم الله می گویند، سپس مورد خطاب واقع می شوند که اکنون سوره قل هو الله را بخوان. اگر بسم الله جزو قل هو الله بود پس از بسم الله گفتن، گفته نمی شد که اکنون قل هو الله را بخوان، بلکه مانند سوره حمد، دیگر اجزای سوره آموزش داده می شد.

۴. کتابت بسم الله در آغاز سوره قریش و انشراح

دلالت این مطلب بر عدم جزئیت پیش تر گذشت و از تکرار خودداری می‌شود.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گفته شد به این نتیجه می‌رسیم که جزئیت عبارت «بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» درباره تمام سوره‌ها در میان امامیه از شهرت به سزایی برخوردار است، اما دلیل چندان محکمی جز درج آن در ابتدای سوره‌ها در مصاحف وجود ندارد. از یکی دو روایت شاید بتوان به‌طور ضمنی لزوم قرائت بسمله در سوره‌های نماز را استفاده نمود؛ اما با توجه به اشکالات متعدد سندی، دلالتی و همچنین تعارض، نمی‌توان به آن روایات استناد کرد. کتابت بسم الله در ابتدای سوره‌ها در مصحف شریف، به تبعیت از رسم جاری مصحف‌ها بوده که به دلایلی همچون تبرک، تشخیص سوره جدید و ... کتابت صورت گرفته است و همان‌طور که درج بسم الله در ابتدای سوره‌های قریش و انشراح دلالتی بر جزئیت ندارد، در دیگر سوره‌ها نیز چنین است؛ بنابراین، با توجه به روایات باب ۱۱ از ابواب قرائت وسائل الشیعه و همچنین قرائن متعددی که در این خصوص وجود دارد، «بسم الله الرحمن الرحيم» تنها جزو سوره حمد و نمل است و سفارش به ذکر در ابتدای دیگر سوره‌ها به دلیل سفارش به شروع هر کاری با این عبارت مقدس است و در خصوص سوره‌ها همانند ذکر استعاذه تنها استحباب قرائت دارد و لزومی ندارد. آنچه لازم است متذکر گردد، اینکه با توجه به نتایج فقهی متعددی که در ابتدای نوشتار متذکر شدیم، رعایت احتیاط در موارد ممکن از هر دو جانب (جزئیت و عدم جزئیت) پسندیده، بلکه لازم است.

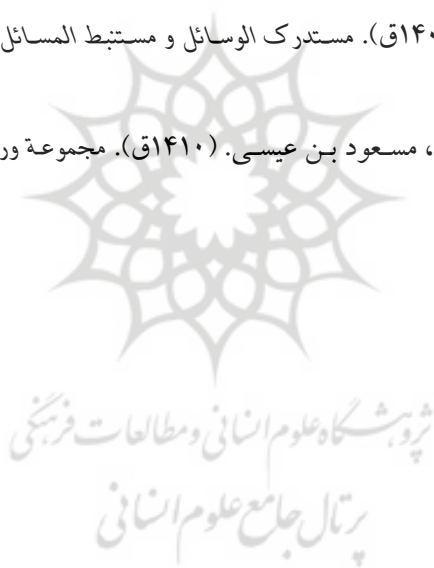
کتابنامه

* قرآن کریم

۱. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). صراط النجاة. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۲. بجنوردی، سیدحسن. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه (ج ۵). قم: الهادی.
۳. جزایری، محمدجعفر. (۱۴۱۵ق). منتهی الدرایة فی شرح الکفایة (ج ۴، چاپ چهارم). قم: دارالکتاب.
۴. حر عاملی، محمد. (۱۴۱۹ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (ج ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۲۷ و ۲۸). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵. حسینی سیستانی، سیدعلی. (۱۴۱۷ق). منهاج الصالحین (ج ۱). قم: دفتر آیت الله سیستانی.
۶. حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۷ق). المعبر فی شرح المختصر (ج ۲). قم: مؤسسه سیدالشهداء علیهم السلام.
۷. حلّی، نجم الدین جعفر. (۱۴۰۸ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام (ج ۲). قم: اسماعیلیان.
۸. حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب (ج ۵). مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۹. حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۰ق). تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیة (ج ۱). قم: مؤسسه امام صادق علیهم السلام.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷/۱۰/۲۵). استفتاعات، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله خامنه‌ای. <https://www.leader.ir/fa/content/22645>
۱۱. خمینی، سیدروح الله (امام خمینی). (۱۴۰۹ق). توضیح المسائل (المحشی) (ج ۱، محقق: سیدمحمدحسین بنی‌هاشمی خمینی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۲. خمینی، سیدروح الله (امام خمینی). (بی تا). تحریر الوسیله (ج ۱). قم: دارالعلم.
۱۳. خوانساری، سیداحمد. (۱۴۰۵ق). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع (ج ۱). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۴. خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۰۸ق). البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار الزهراء.
۱۵. خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال (ج ۲۱). [بی جا. مرکز نشر الثقافه الاسلامیه.
۱۶. خویی، سیدابوالقاسم. (بی تا). مصباح الفقاهة (ج ۱). بی جا، بی نا.
۱۷. سبحانی، جعفر. (۱۴۲۳ق). الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف (ج ۱). قم: مؤسسه امام جعفر صادق علیه السلام.
۱۸. شفتی، سیدمحمدباقر. (۱۴۰۹ق). تحفة الأبرار الملتقط من آثار الأئمة الأطهار (ج ۲). اصفهان: انتشارات کتابخانه مسجد سید.
۱۹. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۹ق). ذکرى الشيعة فى أحكام الشريعة (ج ۳). قم: آل البيت علیهم السلام.
۲۰. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه (ج ۳). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱، چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱، ۵). تهران: ناصرخسرو.
۲۳. طوسی، محمد. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیه (ج ۱، چاپ سوم). تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
۲۴. طوسی، محمد. (۱۴۰۷ق). الخلاف (ج ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. طیب حسینی، سیدمحمود. (۱۳۸۸). دائرة المعارف قرآن کریم (با همکارى غلامرضا قدمی، ج ۵). قم: بوستان کتاب.

۲۶. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نورالثقلین (ج ۲، چاپ چهارم).
قم: اسماعیلیان.
۲۷. مازندرانی، محمدهادی بن محمد صالح. (۱۴۲۹ق). شرح فروع الکافی (ج ۳). قم:
دارالحدیث.
۲۸. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (ج ۷۳، ۹۲). بیروت: دار احیاء التراث.
۲۹. موسوی عاملی محمد بن علی. (۱۴۱۱ق). مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع
الإسلام (ج ۳). بیروت: آل البيت علیهم السلام.
۳۰. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (ج ۹، چاپ هفتم).
بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (ج ۴). قم: مؤسسه
آل البيت علیهم السلام.
۳۲. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی. (۱۴۱۰ق). مجموعه ورام (ج ۱). قم: مکتبه
الفقیه.



References

* The Holy Quran

1. Ansari, M. (1415 AH). *Sirat al-Najah*. Qom: World Congress honoring Sheikh Azam Ansari. [In Arabic]
2. Arusi al-Huwayzi, A. (1415 AH). *Tafsir Noor al-Saqlain* (Vol. 2, 4th ed.). Qom: Ismailian. [In Arabic]
3. Bojnourdi, S. H. (1419 AH). *Qawa'id al-Fiqhiya* (Vol. 5). Qom: Al-Hadi. [In Arabic]
4. Heli, H. (1412 AH). *Muntahi al-Matlab fi Tahqiq al-Madhab* (Vol. 5). Mashhad: Islamic Research Council. [In Arabic]
5. Heli, H. (1420 AH). *Tahrir al-Ahkam al-Shariya Madhab al-Imamiya* (Vol. 1). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
6. Heli, N. (1407 AH). *Al-Mutabar fi Sharh al-Mukhtasar* (Vol. 2). Qom: Seyyed al-Shohada Institute. [In Arabic]
7. Heli, N. (1408 AH). *Shara'e al-Islam fi Masa'el al-Halal va al-Haram* (Vol. 2). Qom: Ismailian. [In Arabic]
8. Hosseini Sistani, S. A. (1417 AH). *Minhaj al-Salehin* (Vol. 1). Qom: Office of Ayatollah Sistani. [In Arabic]
9. Hur Ameli, M. (1419 AH). *Tafsil Wasa'il al-Shia ila Tahsil Masa'il al-Shari'a* (Vols. 2, 3, 5, 6, 7, 10, 27 & 28). Qom: AlulBait Institute. [In Arabic]
10. Jazayeri, M. J. (1415 AH). *Muntahi al-Daraiya fi Sharh al-Kafayah* (Vol. 4, 4th ed.). Qom: Dar al-Kitab. [In Arabic]
11. Khamenei, S. A. (1397 AP). From: Ayatollah Khamenei's Website. <https://www.leader.ir/fa/content/22645>. [In Persian]
12. Khansari, S. A. (1405 AH). *Jame al-Madarik fi Sharh Mukhtasar al-Nafee* (Vol. 1). Qom: Ismailian Institute. [In Arabic]
13. Khoei, S. A. (1408 AH). *Al Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Zahra. [In Arabic]

14. Khoei, S. A. (1413 AH). *Mujam Al-Rijal al-Hadith va Tafsil Tabaqat al-Rijal* (Vol. 21). Markaz Nashr al-Thaqafah al-Islamiya. [In Arabic]
15. Khoei, S. A. (n.d.). *Misbah Al-Fiqahah* (Vol. 1).
16. Khomeini, S. R (Imam Khomeini). (n.d.). *Tahrir al-Wasila* (Vol. 1). Qom: Dar al-Ilm.
17. Khomeini, S. R. (Imam Khomeini). (1409 AH). *Tawzil al-Masa'il* (Vol. 1, S. M. H. Bani Hashemi Khomeini Ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
18. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (Vols. 73 & 92). Beirut: Dar Ihya al-Torath. [In Arabic]
19. Mazandarani, M. (1429 AH). *Sharh Forou' al-Kafi* (Vol. 3). Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
20. Mousavi Ameli, M. (1411 AH). *Madarik Al-Ahkam fi Sharh Ibadat Sharae al-Islam* (Vol. 3). Beirut: Alulbayt. [In Arabic]
21. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam* (Vol. 9, 7th ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
22. Nouri, H. (1408 AH). *Mostadrak al-Wasail va Mustanbat al-Masa'il* (Vol. 4). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
23. Sadouq, M. (1413 AH). *Man La Yahdrah al-Faqih* (Vol. 3). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
24. Shafti, S. M. B. (1409 AH). *Tuhfah al-Abrar al-Multaqit min Athar al-A'imah al-Athar* (Vol. 2). Isfahan: Seyyed Mosque Library Publications. [In Arabic]
25. Shahid Awal, M. (1419 AH). *Zikri al-Shi'a fi Ahkam al-Sharia* (Vol. 3). Qom: Alulbayt. [In Arabic]
26. Sobhani, J. (1423 AH). *Al-Insaf fi Masa'il Dam Fiha al-Khalaf* (Vol. 1). Qom: Imam Jafar Sadiq Institute. [In Arabic]
27. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Vols. 1 & 5). Tehran: Nasser Khosro. [In Persian]

28. Tabatabaei, S. M. H. (1374 AP). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 1, 5th ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
29. Tayeb Hosseini, S. M. (1388 AP). *Encyclopedia of the Holy Qur'an* (in collaboration with Gholamreza Gadami, vol. 5). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
30. Tusi, M. (1387 AH). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyah* (Vol. 1, 3rd ed.). Tehran: Al-Maktabah Al-Mortazawieh le Ihya al-Athar al-Jafariya. [In Arabic]
31. Tusi, M. (1407 AH). *Al-Khilaf* (Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
32. Varam bin Abi Firas, M. (1410 AH). *Majmou'ah al-Varam* (Vol. 1). Qom: Maktabah Al-Faqih. [In Arabic]

